بسم الله النور

شب قدر است و طی شد نامه هجر سلام فیه حتی مطلع الفجر

حم و الکتاب المبین.انّا انزلناه فی لیله مبارکه. انّا کنا منذرین. فیها یفرق کلّ امر حکیم. امرا من عندنا. انّا کنّا مرسلین. رحمه من ربّک.انّه هو السّمیع العلیم.(دخان 1-8)

قسم به کتاب روشنگر.ما این-قرآن-را در شبی مبارک نازل کردیم. ما همواره انذارکننده بوده‏ایم. آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‏شود. (آری، نزول قرآن) فرمانی بود از سوی ما؛ ما (پیامبران را) فرستادیم. اینها همه بخاطر رحمتی است از سوی پروردگارت، که شنونده و داناست.

در تمام تفاسیر این «شب مبارک» همان شب قدر است. شب قدر که از آن به لیله العظمه یاد شده است، شب نزول قرآن و شب تقدیر امور است. لراغب اصفهانی در این باره می‌گوید لَیْلَه الْقَدْرِ اَیْ لَیْلَهٌ قَیَّضَها لِأُمُورٍ مَخْصُوصَهٍ؛ شب قدر یعنی شبی که [خداوند] برای [تنظیم و تعیین] امور مخصوصی آن را آماده [و مقرّر] نموده است.» و قرآن کریم می‏فرماید: در آن شب «یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکیمٍ»؛ «هرکاری بر طبق حکمت [خداوند] جدا[و تعیین و تنظیم] می‏گردد.» امام هشتم علیه‏السلام فرمود: «…یُقَدَّرُ فیها ما یَکُونُ فی السَّنَهِ مِنْ خَیْرٍ اَوْ شَرٍّ اَوْ مَضَرَّهٍ اَوْ مَنْفَعَهٍ اَوْ رِزْقٍ اَوْ اَجَلٍ وَ لِذلِکَ سُمِّیَتْ لَیْلَهُ الْقَدْرِ۹؛ در آن شب [قدر [آنچه که در سال واقع می‏شود، تقدیر و اندازه‏گیری می‏شود، از نیکی و بدی و زیان و سود و روزی و مرگ. به همین جهت نیز شب قدر[شب اندازه گیری [نامیده شده است.»

شب قدر بزرگ‏ترین سند امامت و تداوم آن در طول زمان اس. حضرت علی علیه‏السلام فرمود: «حقیقت شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در آن شب نازل می‏شود و به راستی برای آن امر صاحبان امری است. عرضه شد آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «اَنَا وَ اَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبی اَئِمَّهً مُحَدَّثُونَ؛ من و یازده [امام] از نسل من که [همه [امامانی محدَّث می‏باشند]» و در برخی روایات آمده که خود ولایت علی علیه‏السلام و ائمه علیهم‏السلام جزء تقدیرات آن شب است.

شب قدر شب بخشش گناهان است. پیامبر اکرم صلی‏الله‏علیه‏و‏آله ‏فرمود: «مَنْ قامَ لَیْلَهَ الْقَدْرِ ایْمانا وَاحْتِسابا، غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ؛ کسی که در شب قدر به پاخیزد [و آن شب را] از روی ایمان و محاسبه [و اخلاص‏بیدار باشد،]گناهان گذشته‏اش بخشوده می‏شود.»

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره شب قدر می‌نویسد معنای تقدیر الهی این است که در جهان مادی، آفریده ها از حیث هستی و آثار و و یژگی هایشان محدوده ای خاص دارند . این محدوده با اموری خاص مرتبط است؛ اموری که علت ها و شرایط آنها هستند و به دلیل اختلاف علل و شرایط، هستی، آثار و ویژگی های موجودات مادی نیز متفاوت است . هر موجود مادی به وسیله قالب هایی از داخل و خارج، اندازه‌گیری و قالب‌گیری می‌شود. این قالب، حدود، یعنی طول، عرض، شکل، رنگ، موقعیت مکانی و زمانی و سایر عوارض و ویژگی های مادی آن به شمار می آید. پس معنای تقدیر الهی در موجودات مادی، یعنی هدایت آنها به سوی مسیر هستی شان که برای آنها مقدر گردیده است و در آن قالب گیری شده اند.

شهید مطهری در کتاب انسان و سرنوشت نیز چنین نگاشته است که تعبیر فلسفی قدر، اصل علیت است . «اصل علیت همان پیوند ضروری و قطعی حوادث با یکدیگر و این که هر حادثه ای تحتم و قطعیت ضروری و قطعی خود و نیز تقدر و خصوصیات وجودی خود را از امری یا اموری مقدم بر خود گرفته است . (9) اصل علیت عمومی و نظام اسباب و مسببات بر جهان و جمیع وقایع و حوادث جهان حکم فرماست و هر حادثی، ضرورت و قطعیت وجود خود و نیز شکل و خصوصیت زمانی و مکانی و سایر خصوصیات وجودی اش را از علل متقدمه خود کسب کرده است و یک پیوند ناگسستی میان گذشته و حال و استقبال میان هر موجودی و علل متقدمه او هست».

اما علل موجودات مادی ترکیبی، فاعل و ماده و شرایط و عدم مانع است که هر یک تاثیر خاص بر آن دارند و مجموع این تاثیرها، قالب وجودی خاصی را شکل می دهند . اگر تمام این علل و شرایط و عدم مانع، کنار هم گرد آیند، علت تامه ساخته می شود و معلول خود را ضرورت و وجود می دهد که از آن در متون دینی به «قضای الهی » تعبیر می شود . اما هر موجودی با توجه به علل و شرایط خود قالبی خاص دارد که عوارض و ویژگی های وجودی اش را می سازد و در متون دینی از آن به «قدر الهی » تعبیر می شود .

شب قدر، شب تقدیر و اندازه گیری است؛ زیرا در این سوره - که تنها پنج آیه دارد - سه بار «لیلة القدر» تکرار شده است و این نشانه اهتمام ویژه قرآن به مسئله اندازه گیری در آن شب خاص است .

بزرگان دین و عرفان در یافتن معنای حقیقت شب قدر از خلال آیات قرآن و روایات معتبر بسیار کوشیده‌اند، اما نباید این واقعیت را فراموش کرده که حقیقت شب قدر حقیقتی ورای این حقایق است که در سیر معراج معارف می‌توان باز هم به گوشه‌هایی از آن دست یافت، چرا که این فرموده خداوند متعال است که فرمود: «و ما ادراک ما لیله القدر». فرمایش امام صادق﻿(ع) در این زمینه راهگشاست که آن حضرت در گفت‌وگو با «فرات کوفی» که از امام درباره حقیقت این شب سؤال می‌کند، می‌فرمایند: «جدّتُنا فاطمه لیله القدر»، حقیقت لیله القدر حضرت فاطمه است. هر کسی وی را درک کرده و بشناسد، شب قدر را درک کرده و شناخته است. این فرمایش امام، رمزی است برای اهل معنا. در آیه شریفه إنا أنزلناه فی لیله القدر، لفظ «فی» دلالت بر ظرفیت می‌کند؛ یعنی ما قرآن را در ظرفی به نام «لیله القدر» نازل کردیم. از طرفی می‌دانیم، ظرف در ظرف زمان خلاصه نمی‌شود بلکه شامل ظرف مکان مادی و مکانت معنوی نیز می‌شود. حال باید دید که ظرف در این آیه به چه معناست. لفظ «فی» در این آیه علاوه بر ظرف زمان، بر ظرف مکان معنوی نزول قرآن، یعنی حقیقتی که قرآن را در خود جای داده است و با آن اتحاد و یگانگی برقرار درده و عین قرآن شده است دلالت می کند و آن حقیقت، چیزی جز حقیقت انسان کامل که قرآن ناطق و عین قرآن است، نیست. بنابراین، انسان کامل، خود به تمامه شب قدر است و جمله امام صادق﻿(ع) درباره جده بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا سلام ﷲ علیها با این تفسیر قابل فهم است. از انسان کامل، تعبیر به لیله القدر شده است زیرا لیله که معنای شب در برابر روز است،حقیقتش خفاء و اختفاء و فقر و فقد و فنا در برابر نور، روز و ظهور است. این کلمه اشاره دارد به حقیقتی که در برابر حق تعالی، فقر محض و فانی است و خودبینی ندارد و به اعتباری خودی در کار نیست. و انسان کامل در برابر حق، این‌گونه است. یعنی شیء ثانی در برابر حق نیست، بلکه خلیفه و مظهر اوست، لذا اطاعت از او، عین اطاعت از خدا و عصیان در برابر او، عصیان در برابر خدا و بغض و حب او، عین بغض و حب خداوند است. ما این معانی را از کلمه «لیله» می‌فهیم که مفید معنای خفا و ستر است و این لیله به قدر اضافه شده که به معنای منزلت است و این قدر چیزی جز حق نیست که عین قدر و منزلت و بزرگی است؛ چون خدا عین عظمت است و لیله به معنای انسان کاملی است که به این حقیقت اضافه شده است و این نیز تفسیری است از تفاسیری که درباره شب قدر شده است.

شب قدر، شب قرب به خدا، قرب به انسان کامل و قرب به قرآن است و همه این تعابیر، علی‌رغم تفاوت ظاهری، یک حقیقت بیشتر نیستند. خدا به عنوان حقیقت، انسان کامل به عنوان آیینه این حقیقت و قرآن به عنوان نسخه کتبی از انسان کامل به هم پیوسته‌اند و انسان در این شب، باید به این سه حقیقت به‌هم‌پیوسته قرب پیدا کند. پایین‌ترین درجه آن، قرار دادن قرآن بر سر است و بالاتر از آن این است که شخص تحت پوشش فیض قرآن قرار بگیرد و تمام شؤون زندگی او قرآنی شود و بالاتر از همه، این است که انسان قرآن را به دل کند و با ظرف قرآن شدن یک‌پارچه قرآن شود.